
فردیت اشتراکی،

نشستن بر صندلی مترسک‌ها

مجموعه شعر

میلاد امیری



نشر الهام اندیشه

۱۳۹۳

سرشناسه:	امیری، میلاد، ۱۳۷۵ -
عنوان و نام پدیدآور:	فردیت اشتراکی، نشستن بر صندلی مترسک‌ها: شعر / میلاد امیری.
مشخصات نشر:	الهام اندیشه ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری:	۸۰ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۹۳۲۱۷-۹-۷
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۳ ف۴۹۴۵۵/م PIR۸۳۳۴
رده‌بندی دیویی:	۸۵۷/۶۲
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۳۶۲۷۲۵۵



انتشارات الهام اندیشه

مرکز پخش: تهران، پخش افراز، ۶۶۹۷۷۱۶۶

فردیت اشتراکی، نشستن بر صندلی متراکبها

مجموعه شعر

میلاد امیری

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳

طراحی جلد: یاسین محمدی

عکس روی جلد: عکاس سوررئال رومانیایی، کاراس لونت.

آرایش صفحات: یاسمین حشدری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ترنج / تصویر / یکتافر

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

تمام حقوق محفوظ است.

فهرست

۷	 دو نکته در باب این دفتر:
۱۱	 صلح سیاه
۱۳	 دردی
۱۴	 هیچ!!!
۱۶	 خندیدن
۱۷	 ایستگاه
۱۸	 تکفیر واژه‌ها
۲۳	 دیوانگان
۲۵	 Other...
۲۷	 آشوب
۳۰	 جدال
۳۱	 سکوت
۳۳	 رقص مرگ
۳۷	 کاش می ماند
۳۸	 (...)
۳۹	 حلبچه
۴۰	 فصل سکوت
۴۱	 رویای رفتن
۴۲	 میعاد
۴۴	 تمدن
۴۵	 کودکان خسته
۴۹	 فردیت اشتراکی
۵۱	 هاها برا!

۵۳	 زمان صفر مطلق
۵۶	 نگاه
۵۸	 صلابت
۵۹	 رقص واژه‌ها
۶۰	 باد -
۶۱	 شیزوفرنی
۶۲	 کابوس
۶۳	 (...)
۶۴	 (...)
۶۵	 غمگین تراز من
۶۶	 اختگی
۶۷	 برای بختیار علی
۶۸	 مؤخره‌ای کوتاه
۷۰	 نگاهی به کتاب فردیت اشتراکی، نشستن بر صندلی متروک‌ها

استقبال از آثار هنری عظیم و به‌غایت ستوده‌شده نوعی مُردن یا همرنگ
بسیاران شدن است. والتر بنیامین

دو نکته در باب این دفتر

۱- هگل و به‌پیروی از او هایدگر نیز، زمانی سخن از مرگ هنر، به ویژه هنر
بزرگ سر دادند. از این رو در دوران کنونی هر هنری به نوعی از هنر بزرگ
آنگونه که مد نظر هگل بود فاصله‌ی بسیار دارد و هرگز هم نمی‌تواند آن
جایگاه را اشغال نماید. این امر هرچند جای تأسف ندارد و منطقی هم نیست
که بار دیگر هنر بتواند جایگاه بگانه را در زندگی و هستی‌شناسی بشر ایفا
کند. اما با این حال هنوز از بعد زیبایی‌شناسی و گاه نیز فلسفی، از هنر می‌-
باید و می‌توان انتظاراتی داشت. در روزگاری که انسان با پایان اندیشه،
سردرگمی فکری، بحران هویتی و جهانی شدن دست به گریبان است، در
عصری که سلطه‌ی بلامنازع رسانه‌های تصویری و دیجیتالی و اینترنتی
زندگی انسان را به صورت از پیش تعیین شده به تصویر می‌کشند. شعر و
شاعری می‌تواند چه جایگاهی داشته باشد؟ آیا شعر می‌تواند و لازم است که
همپای دیگر رسانه‌ها در جذب مخاطب بکوشد؟ شاعر چه انتظاری از خود و
از اشعارش دارد؟ مخاطب را در چه جایگاهی می‌بایست قرار داد؟ این

سؤالات و ده‌ها سؤال دیگر همواره پیش پای شاعران می‌باشد و این در حالی است که ادبیات با اندک جایگاهی هم که برای جذب مخاطب و عرض اندام در درون غول‌های رسانه‌ای دارد، خود از درون دچار چندگانگی و انشقاق فراوان گشته است. با گسترش و رشد تکنولوژی و ارتباطات و در سایه‌ی آشنایی فرهنگ‌ها با هم و همچنین با گذار جامعه از عصر صنعتی دوران مدرنیته به عصر ارتباطات و ورود جامعه به دوران پست مدرن که مهمترین شاخصه‌ی آن عدم قطعیت و وجود تفاوت‌ها می‌باشد، بسی مکاتب هنری و فکری تحت عنوان پست مدرنیسم به خلق آثار می‌پردازند دیر زمانی از بیان کانت در مورد زیبایی می‌گذرد که اعلام کرد «زیبایی نسبی است.» و از آن زمان دیگر نمی‌توان و شایسته نیست که تنها از یک فرم و مکتب ادبی سخن گفت و دیگر مکاتب و شیوه‌های هنری و ادبی را بر خطا دانست. با ظهور مکتب‌های مختلف فلسفی به ویژه هرمنوتیک فلسفی و نظریه‌ی مرگ مؤلف و تاکید بر مخاطب، دیگر شاعر و نویسنده و هنرمند مرجع و منشا اصلی هنر نمی‌باشد. با ظهور جامعه‌ی سرمایه‌داری و نیاز به کسب سود، هنر نیز گاه به دامن این جهان‌بینی افتاده است و سعی در جلب توجه و یافتن بیشترین مخاطب و مصرف شدن اثر را دارد. همان پدیده‌ای که آدورنو و هورکهایمر و دیگر نظریه پردازان مکتب فرانکفورت از آن به عنوان صنعت هنر نام می‌بردند. بنابراین در این دفتر شعری سعی بر آن شده است تا از افتادن به دام تک رویکردی و نگرش خاص نسبت به شعر پرهیز شود و تا حد امکان رویکردی بینابینی اتخاذ شود و اشعار به گونه‌ای باشد که تنها ایدئولوژی و مکتب خاصی را در برنگیرد. چراکه اصولاً شعر محملی برای آزادی است. البته این امکان وجود دارد که برخی از اشعار این دفتر تحت تاثیر برخی شاعران بزرگ باشد و صد البته این امری طبیعی است چرا که هیچکس از زیر سلطه‌ی گذشته و زبان در امان نیست و همانگونه که لاکان می‌گوید ناخودآگاه همان

زبان است پس این اشعار آمیخته‌ای از ضمیر آگاه و ناآگاه، تنوری، نظریات، گذشته، حال و آینده‌ی شاعر است.

۲- دیکتاتوری واژه‌ها، تک معنایی، دال و مدلول مشخص، فراروایت... در عصر پایان می‌توان پایانی بر تمامی این مفاهیم و واژه‌ها قرار داد، یا به پیروی از لاکان و دریدا صحبت از زنجیره‌ی دال‌ها نمود. تعلیق معنا به صورت فرهنگ‌واره مهم‌ترین شاخصه‌های روزگار فلسفی ما می‌باشد. دیگر هرگز نمی‌توان مدلولی ثابت و قطعی برای هیچ دالی مشخص نمود. در این میان بازنگری و تجدید معنا و ساخت مدلول جدید برای تمامی مفاهیم و دال‌های علوم انسانی نیروی محرکه‌ی اندیشه و فلسفه می‌باشد

دال «شعر» دیگر به مانند دوران کلاسیک دارای مدلولی ثابت، مشخص و ایستا نیست، آنگونه که ارسطو آن را مشخص می‌کرد. شعر در عصر اقتدار تفکر هرمنوتیکی و روانکاوی لاکانی و رواج اندیشه‌ی پساساختارگرایی دالی است با مدلول‌های بیشمار. یا بنا به تعبیر گادامر به اندازه‌ی تمامی انسانها می‌تواند مدلول داشته باشد. نیچه وظیفه‌ی فیلسوفان را خلق مفاهیم جدید می‌دانست، دلوز و گتاری شاعران را نیز به خالقان مفاهیم جدید افزودند. شاید بتوان آلن بدیو را نیز که قائل به وقوع رخداد در هنر بود نیز به این دسته از فیلسوفان افزود، چراکه رخداد در فلسفه‌ی بدیو لحظه‌ی وقوع امری جدید و درهم شکستن ساختارهای قدیمی و رایج می‌باشد اما نکته‌ی اساسی در این میان چگونگی خلق مفاهیم و معانی جدید می‌باشد. یک فیسوف و یا یک شاعر چگونه می‌تواند مفهوم و معنای جدیدی خلق نماید؟

دوراهکار و شیوه‌ی خلق معانی و مفاهیم جدید وجود دارد. نخست تعریف نمودن و مشخص کردن این مفاهیم و دامن‌های آنها در قالب نوشتار فلسفی به صورت نظام مند و علمی به مانند آنچه غالب فلاسفه نظیر کانت و هگل و هایدگر انجام دادند. دوم به کارگیری مفاهیم و چهارچوب آنها در

قالب عمل بدون تعریف نمودن آن، به مانند آن‌چه شاعران بزرگی نظیر بودلر، رمبو و تریستیان تزارا انجام دادند. این شاعران بدون آن‌که به صورتی نظام‌مند تعریف خود را از شعر و هنر ارائه نمایند، در عمل با سرودن اشعاری متمایز و نو معنی و مرزهای شعر را باز آفرینی کردند. بنابراین با توجه به پویایی علوم انسانی به ویژه ادبیات در هر دوره، دالهای اصلی این علم همواره دستخوش تغییر، دگرگونی و بازتولید می‌شود و شعر بنا به شرایط اجتماعی، زمانی و فردی و روانی دارای ویژگی‌های متمایزی است. هرگونه تعریف کامل و جامع از هنر و شعر نوعی دیکتاتوری واژه و اندیشه می‌باشد که مانع از تولید آثار بدیع خواهد شد. اشعاری که در این دفتر شعری آورده شده‌اند با این نگرش سروده شده‌اند، بنابراین امکان این وجود دارد که دارای ساختار مشخص و یک دست و زبان و فرم یکسانی نباشند، آنگونه که در غالب دفاتر شعری منتشر شده شاهد آن هستیم. در عصر مرگ مؤلف، شاعر این سروده‌ها با رویکرد و نگرش هرمنوتیکی و گادامری، خود را به‌عنوان مخاطب این اشعار میداند و به خود این اجازه را می‌دهد که دارای برداشتی کاملاً شخصی از شعر باشد. از این‌رو هر نوع مخاطب دیگری نیز می‌تواند برداشتی کاملاً متمایز داشته باشد و با دیدگاه شخصی آنها را مورد مطالعه قرار دهد و تمامی نقدهای که بر آن گرفته خواهد شد درست و به‌جا می‌باشد.